

## بیانیه تحلیلی مجامع اسلامی ایرانیان به مناسبت سالگرد انقلاب؛

### سالگرد انقلاب شکوهمند ۵۷ بر شما مبارک باد

هرگاه جامعه‌ای دچار خفقان، انسداد سیاسی-اجتماعی و خشونت ناشی از آن شد برای برون رفت از وضعیت موجود و ادامه حیات، نیازمند تغییر می‌شود. انقلاب در هر جامعه به منزله تحول و تغییر اساسی و دگرگونی در روابط سیاسی و اجتماعی و رهایی از خشونت موجود است. در واقع هدف اصلی هر انقلاب که پدیده‌ای اجتماعی است، خشونت زدایی و تغییر ساختارها و نهایتاً استقرار جامعه آرمانی (به معنای بر خورنداری همگان از استقلال و آزادی و امکان رشد همگانی بر میزان عدالت اجتماعی و شرکت در تعیین سرنوشت) است. اما، بسان هر پدیده، در انقلاب نیز، لازمه این تغییر و تحول، طی کردن مراحل است که بسته به فکر راهنمای غالب بر جامعه در هنگام بروز انقلاب زمان تغییر و رسیدن به هدفهای انقلاب را تعیین می‌کنند. از سوی دیگر، بنا بر امرهای واقع، پس از هرانقلاب و موفقیت در مرحله نخست، ساختارهای استبداد در برابر تغییر، مقاومت کرده و در روند تحول اخلاص ایجاد می‌کنند تا جایی که باز سازی استبداد محتمل و ممکن می‌شود.

از اساسی‌ترین رمز پیروزی هر جنبش انقلابی اجماع عمومی با طرز فکرهای گوناگون بر حول محوری است که آرمان عمومی را نمایندگی و به ویژه اعتماد عمومی را جلب نماید.

انقلاب مردم ایران نیز از این قواعد مستثنی نیست.

روند تحولات اجتماعی در ایران که پس از پدید آمدن دولت - ملت به مفهوم امروزی، کم و بیش با جنبش مشروطیت آغاز و سپس با جنبش ملی کردن صنعت نفت به رهبری دکتر محمد مصدق پی گرفته شد. این جنبشها محدود کردن قدرت فردی و مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش را مد نظر و هدف داشتند.

در ادامه این روند، در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷، حضور گسترده و همبسته مردم در جنبشهای پی گیر اعتراضی، به نظام استبدادی وابسته که طی سالیان متمادی با سرکوب و اختناق، توسل به زور را روش حکومت بر جامعه کرده و آن را با شعار ترقی و مدرنیته توجیه می کرد پایان داد. بدین ترتیب، این انقلاب نوید تغییر شد و ایران را وارد مرحله جدیدی از تاریخ کهن خویش کرد.

در این روز مردم ایران مرحله اول، یعنی تغییر نظام را با موفقیت انجام دادند اما در مرحله استقرار نظام مردمسالار و دستیابی به هدفهایی که طی بیش از یک قرن در جنبشهای پی درپی تعیین کرده بودند، با مقاومت ساختارهای استبدادی مواجه شدند.

هدفهای مردم در انقلاب ۵۷ و فکر راهنمای حاکم بر آن:

آنچه که اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران در آن توافق داشتند:

۱- ناممکن بودن زیست در استقلال و آزادی تحت حاکمیت نظام استبدادی و وابسته پهلوی. سامانه ای که هرگونه تغییر در جهت مردمسالاری را تحمل نمی کرد و هر کوشش در راه اصلاح آن که منطبق با محور اصلی حاکمیت، یعنی سلطنت فردی و قدرت شاه نبود با مخالفت روبرو می شد.

۲- بنا بر این، مستقل و آزاد زیستن در وطنی که بدان تعلق خاطر داشتند که از دیرباز آرزو و آرمان آنها بود تنها از راه انقلاب میسر و ممکن بود و شد.

۳- از اساسی‌ترین رمز پیروزی هر جنبش انقلابی اجماع عمومی با طرز فکرهای گوناگون بر حول محوری است که آرمان عمومی را نمایندگی و به ویژه اعتماد عمومی را جلب نماید. از آنجا که مردم ایران، وطن دوست و در اکثریت بزرگی مسلمان و باورمندند، فکر راهنمایی لازم بود تا هم بیانگر آرمان دیرینه آنها و هم باور آنها باشد. از این رو، آقای ابوالحسن بنی صدر که به این امر آگاه بود، بیانی نو از اسلام بر پایه استقلال و آزادی و رشد انسان که اندیشه راهنمای انقلاب نام گرفت را تدوین و به آقای خمینی در پاریس ارائه کرد که مورد پذیرش او قرار گرفت و سخنگوی آن شد. ملت نیز این بیان را از آن خود کرد و برای تحقق آن تا سرنگونی سلطنت از تلاش باز نایستاد.

آقای خمینی به هنگام اقامت در فرانسه با ایراد سخنان و مصاحبه‌های متعدد، علیرغم نظریه پیشین خود، همان بیان از اسلام و تشیع را ارائه کرد که نماد استقلال و آزادی و حقوق انسان بود، بطوری که تمامی احزاب و گروه‌ها با افکار و عقاید مختلف و اکثر مردم با ادیان و طرز فکرهای متفاوت حول آن محور گرد آمدند. از جمله آن اظهارات:

\* همواره بر استقلال و آزادی تاکید داشت؛ « ما می خواهیم یک ملت را آزاد کنیم، ما می خواهیم یک امت را آزاد کنیم، ما می خواهیم یک امت را مستقل کنیم» (۲ آبان ۱۳۵۷)

\* اسلام دین ترقی است. قرآن روش ترقی و شکوفایی انسان است ( ۴ آبان ۱۳۵۷ خبرگزاری رویترز)

\* اگر ما محافظه کار بودیم نباید خواهان آزادی رأی و برابری امکانات اقتصادی و سیاسی می شدیم. اما اسلام در چنان حدی از کمال است که از ابتدای طلوع، پیشرفت خود را بر بحث آزاد و مبارزه با سانسورها بنا گذاشته است. ( ۴ آبان ۱۳۵۷ خبرگزاری رویترز)

\* همه گروه‌ها در بیان عقاید خود آزادند، ولكن خیانت را اجازه نمی دهیم. ( ۴ آبان ۱۳۵۷ خبرگزاری رویترز)

\* علما خود حکومت نخواهند کرد، آنان ناظر و هادی مجریان امور می باشند. این حکومت در همه مراتب خود، متکی به آرای مردم و تحت نظارت و ارزیابی و انتقاد عمومی خواهد بود. ( ۴ آبان ۱۳۵۷ خبرگزاری رویترز)

\* ضد غرب نیستیم. ما خواهان استقلال هستیم و روابط خود را با جهان غرب بر این اساس پی ریزی می نماییم. ما می خواهیم ملت ایران غریزه نباشد و بر پایه‌های ملی و مذهبی خویش به سوی ترقی و تمدن گام بردارد. ( ۴ آبان ۱۳۵۷ خبرگزاری رویترز)

\* ما می خواهیم مستقل باشیم و حمایت هیچ کشوری را قبول نخواهیم کرد و تحت الحمايه هیچ کشوری نیستیم. ( خبرگزاری فرانسه ۵ آبان ۱۳۵۷)

\* یکی از بنیانهای اسلام آزادی است... بنیاد دیگر اسلام اصل استقلال ملی است (مصاحبه با خبرنگار روزنامه لاکروا، ۱۰ آبان ۵۷)

\* دولت اسلامی یک دولت دمکراتیک به معنای واقعی است. و اما من هیچ فعالیت در داخل دولت ندارم و به همین نحو که الآن هستم، وقتی دولت اسلامی تشکیل شود، نقش هدایت را دارم (مصاحبه با خبرنگار تلویزیون آلمان، ۱۶ دی ۵۷)

\* اسلام با آزادی زن نه تنها موافق است بلکه خود پایه گذار آزادی زن در تمام ابعاد وجودی زن است.

\* زنها در حکومت اسلامی آزادند حقوق آنان مثل حقوق مردها است. اسلام زن را از اسارت مردها بیرون آورد و آنها را هم ردیف مردها قرار داده است (مصاحبه با خبرنگار رادیو و تلویزیون لوکزامبورگ، ۲۰ دی ۵۷)

\* باید اختیارات دست مردم باشد، این یک مسئله عقلی است. هر عاقلی این مطلب را قبول دارد که مقدرات هرکسی باید دست خودش باشد. ....

بدین ترتیب آقای خمینی توانست بامنعکس کردن خواسته‌های عمومی از یک سو، و ارائه اسلامی که بیانگر آن خواسته‌ها یعنی استقلال و آزادی، ولایت جمهور مردم و صاحب حق بودن تمامی ایرانیان با هر عقیده و مرام و بالاخره استقرار حاکمیت ملی بود رهبری مرحله نخست انقلاب را تصدی کند. اما متأسفانه در روند استقرار نظام جایگزین، تسلیم وسوسه‌های قدرت طلبانه شد و نتوانست در برابر مقاومت ساختارهای کهن استبداد تاب بیاورد و شکست خورد و با خلف وعده و شکستن عهده‌ی که با مردم بسته بود، جای شاه را گرفت و استبدادی خونریز را بنیان نهاد. البته نباید نقش مردم و سازمانهای سیاسی را در غفلت از پاسداری از اهداف انقلاب و نظارت بر روند تحولات پسا انقلاب نادیده گرفت.

هموطنان!

اینک ۴۵ سال پس از انقلاب پیروزمند، هنوز هدفهای انقلاب خواست عمومی مردم است و بسا بسیاری، در این راه جان فدا کرده و یا زندان و شکنجه را تجربه کرده و می‌کنند. نظام ولایت مطلقه فقیه که میراث آقای خمینی است، ایران را در بدترین وضعیت سیاسی- اجتماعی و فرهنگی- اقتصادی قرار داده است و مردم را در یکی از ثروتمندترین سرزمینهای جهان، در فقر و تنگدستی و ناهنجاریهای اجتماعی و فرهنگی قرار داده است. از اصول حاکم بر انقلاب، استقلال و آزادی و جمهوری تنها نامی باقی مانده و از محتوا خالی شده اند.

امروز، حال و وضع ایران وخیم و نابسامان است تا حدی که بسیاری از درون خود نظام نیز برای موجودیت ایران احساس خطر کرده و هشدار می‌دهند. رژیم ولایت مطلقه فقیه که نتیجه کودتا علیه انقلاب و هدفهای والای آن است تمام سعی و تلاش خود را بکار می‌برد تا رژیم را زاده انقلاب و هدف اصلی آن وانمود کند. از سوی دیگر ضد انقلاب مغلوب نیز که هرگز میلیونها ایرانی را که با انقلاب شکوهمند خود بساط سلطنت را برچیدند نبخشیده است می‌کوشد تا رژیم ضد انقلاب مستقر را میوه و ثمره انقلاب بنمایاند و نسلی را ( از پیر و جوان و نوجوان) که در انقلاب شرکت کرد سرزنش می‌کند. با جعل و تقلب و تحریف تاریخ تصویری کاذب از "دوران طلایی" پهلوی به نمایش می‌گذارند تا به خیال خود با فریب مردم و البته به کمک بیگانگان قدرت از دست رفته را بازیابند.

هموطنان!

تجربه به ما آموخته است که هر روز ادامه حیات رژیم ولایت مطلقه خسارات جانی و مالی و نیز بر طبیعت ایران وارد می‌سازد که در بسیاری از موارد جبران ناپذیرند. بیماری مزمن استبداد (شاه و فقیه) بنیه و توان ایران را بسیار ضعیف کرده است و ایران نیازمند درمان و تحول است. این تحول اما تنها به دست مردم ایران و در درون کشور با حفظ هویت و استقلال و آزادی توسط جنبش‌های مدنی و اعتراضی در خشونت زدایی ممکن می‌شود. از جمله، کوشش همگانی در محدود کردن دایره امکان رژیم، از قدرت آن می‌کاهد. محترم شمردن حقوق خویش و دیگری در این راستا است.

همچنین، باید از مناسباتی که رژیم تدارک می‌بیند استفاده بهینه کرد و از آنها به عنوان فرصتی برای اعتراض بهره جست. از جمله این مناسبات، برگزاری انتخابات فرمایشی است. تحریم فعال این گونه انتخابات علاوه بر انعکاس جهانی انزوای درونی رژیم، گویای همدلی و همبستگی

ملی است. از عمده‌ترین روشهای تحریم فعال انتخابات، خلوت گذاشتن، حوزه‌ها و خیابانها در شهر و روستا است.

بر نسل انقلاب و امروز است تا با پیوند در آرمانهای مشترک، مانع بزرگ دستیابی به اهداف انقلاب و رسیدن به حاکمیت ملی و استقرار جمهوری که در آن همگان از حقوق برابر برخوردار باشند، یعنی نظام غاصب ولایت مطلقه را از سر راه بردارند تا ایران، بزرگی یابد و ایرانی زیست در استقلال و آزادی همراه با رشد بر میزان عدالت اجتماعی را تجربه کند.

۲۱ بهمن ۱۴۰۲ برابر با ۱۰ فوریه ۲۰۲۴

مجامع اسلامی ایرانیان

dabirxaneh@majame.com